



A Reflection on International Law and Regulations Governing Disputes arising from International Waterways

Ali Mashhadhi ¹✉  Ali Veis Karmi ² 

1. Corresponding Author; Associate Professor, Department of Public and International Law, Qom University, Qom, Iran. [Email: A.Mashhadi@qom.ac.ir](mailto:A.Mashhadi@qom.ac.ir)

2. PhD student of international law at Qom Azad University, Qom, Iran. [Email: aliveis54@gmail.com](mailto:aliveis54@gmail.com)

Article Info

Article type:
Research Article

Manuscript received:

20 February 2021

final revision received:

6 October 2021

accepted:

6 March 2022

published online:

15 March 2023

Keywords:

*Convention, Customary
Rules, International
Laws, Reasonable
Exploitation*

Abstract

Common international waterways have special importance and status in terms of international law and relations. Undoubtedly, one of the most important challenges of the last century of international institutions is to try for creation of more coordination between states with common water resources and fair allocation of these resources among them. Familiarity of the states with international customs and laws on how to exploit shared water resources will lead to optimal management and reduce tensions in this area. In this regard, several international treaties and agreements have been prepared with the efforts of international organizations and institutions. In addition, many customary laws have been appeared in this regard at the international level.

Despite the great importance of the issue, the challenge of using international waterways has not yet been managed and planned by an international binding agreement or law, although with the passage of time, public understanding for international participation to solve resource problems has increased. But the world community has not yet reached a suitable conclusion on an international document that can be agreed upon and efficient, for the management and protection of common water resources.

Until now, various laws, treaties and resolutions have been approved regarding the joint exploitation of common water resources, but due to the existence of problems and ambiguities in some of the articles of these laws, none of these laws are still used as a reference law. and one of the important reasons for that is the existence of different doctrines and attitudes towards environmental law and philosophy.

According to the Helsinki Laws of 1996, all countries located along the river have equal rights to use water resources, and no country has the right to use river water if it causes damage to other countries along the river. In the 1997 Convention on the Rights of Non-Navigational Uses of International Waterways, many legal principles raised in international environmental law, such as "the principle of rational and fair exploitation and use of water and the principle of prohibiting damage to the territory of the state Other" and the principle of "international cooperation" have been formulated and presented.

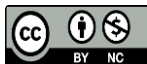
In terms of research, the articles written in this field are mostly in English. **One of the most important works done in Persian language in this field** is an article written by Mr. Shuli, Watan Feda and Mrs. Sarkar Khanum Arideh entitled "Examination of the theories and legal provisions of water sharing in the laws of international treaties on border waters" The article examines international treaties on border waters, which is very valuable

Considering the important differences and problems of the Islamic Republic of Iran with its neighbors regarding common waterways and considering the severe water shortage, **the most important achievement** of this article is the pathology and finding ways to optimally use international regulations, laws and obligations to prevent it is a violation of the right of our country and also to refrain from any tension with the neighbors in this regard.

The most important hypothesis of the article is about this axis: "customary obligations of countries and approved international conventions on the issue of international waterways are the only way to resolve the disputes of neighboring countries in this area.

The purpose of this article is to analyze the existing international laws, customs and treaties on how countries use common water resources. Based on the findings of this study, compliance with regulations and treaties by countries will lead to optimal management and reduce tensions in this area

Cite this article: Mashhadhi, Ali; Ali veis Karmi. (2023, Autumn& Winter) "A Reflection on International Law and Regulations Governing Disputes arising from International Waterways", *Energy Law Studies*, 8 (2): 437 - 455. DOI: <https://doi.com/10.22059/JRELS.2023.316655.415>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.com/10.22059/JRELS.2023.316655.415>



تأملی بر حقوق و قواعد بین‌المللی حاکم بر اختلافات ناشی از آبراهه‌های بین‌المللی *

علی مشهدی^۱ ✉ علی ویس کرمی^۲

۱. نویسنده مسئول: دانشیار، گروه حقوق عمومی و بین‌الملل، دانشگاه قم، قم، ایران.

رایانامه: [Email: A.Mashhadi@qom.ac.ir](mailto:A.Mashhadi@qom.ac.ir)

۲. دانشجوی دکتری، حقوق بین‌الملل، دانشگاه آزاد قم، قم، ایران.

رایانامه: [Email: aliveis54@gmail.com](mailto:aliveis54@gmail.com)

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	آبراهه‌های مشترک بین‌المللی از منظر حقوق و روابط بین‌المللی دارای اهمیت و جایگاه ویژه‌ای هستند. بی‌شک یکی از مهم‌ترین چالش‌های قرن اخیر، تلاش برای ایجاد هماهنگی بیشتر میان کشورهای دارای منابع آبی مشترک و تخصیص عادلانه این منابع در میان آن‌هاست. در این باره معاهدات و توافق‌نامه‌های بین‌المللی متعددی با تلاش سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی تنظیم شده است. افزون‌بر این قوانین عرفی زیادی در این باره در سطح بین‌المللی به وجود آمده است. مقصود از این نوشتار، تحلیل قوانین عرفی و معاهدات بین‌المللی موجود درباره نحوه بهره‌برداری کشورها از منابع مشترک آبی است. براساس نتایج و یافته‌های این پژوهش، رعایت مقررات و معاهدات توسط کشورها، باعث مدیریت بهینه و کاهش تنش‌ها در این زمینه خواهد شد.
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۲	
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۷/۱۴	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۵	
تاریخ چاپ: ۱۴۰۱/۱۲/۲۴	
کلیدواژه‌ها: بهره‌برداری معقولانه، قواعد عرفی، قوانین بین‌المللی، کنوانسیون	

استناد: مشهدی، علی؛ ویس کرمی، علی (پاییز و زمستان ۱۴۰۱) «تأملی بر حقوق و قواعد بین‌المللی حاکم بر اختلافات ناشی از آبراهه‌های بین‌المللی»، *مطالعات حقوق انرژی*، ۲۸(۳): ۴۳۷-۴۵۵. DOI: <https://doi.com/10.22059/JRELS.2023.316655.415>



© نویسندگان.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

DOI: <https://doi.com/10.22059/JRELS.2023.316655.415>

* مقاله پیش‌رو برگرفته از رساله دکتری با عنوان «سدسازی بر آبراهه‌ها از منظر حقوق بین‌الملل؛ مطالعه موردی پروژه گاپ» است.

مقدمه

بهره‌برداری از منابع آبی مشترک، مهم‌ترین مسئله‌ای است که هنوز به‌وسیله یک پیمان یا قانون الزام‌آور بین‌المللی مدیریت و برنامه‌ریزی نشده است؛ اگرچه با گذشت زمان، فهم و درک عمومی برای مشارکت بین‌المللی برای حل مشکلات منابع آبی مشترک افزایش یافته است؛ اما هنوز جامعه جهانی به جمع‌بندی مناسبی بر یک سند بین‌المللی قابل اجماع و کارآمد برای مدیریت و حفاظت از منابع آبی مشترک نرسیده است. تاکنون قوانین، معاهدات و قطعنامه‌های مختلفی درباره بهره‌برداری مشترک از منابع آبی مشترک تصویب شده‌اند، ولی به دلیل وجود اشکالات و ابهامات موجود در برخی از مواد این قوانین، هنوز هیچ‌یک از آن‌ها به‌عنوان قانون مرجع برای بهره‌برداری عادلانه و منصفانه از منابع آبی مشترک به رسمیت شناخته نشده است که یک دلیل مهم آن، وجود نظریه‌ها و نگرش‌های مختلف به حقوق و فلسفه محیط‌زیست است (میان‌آبادی، ۱۳۹۲: ۲۲۱).

از لحاظ پژوهشی، یکی از مهم‌ترین کارهایی که در این باره انجام شده، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد خانم مهتاب عساری است که با موضوع «آثار حقوقی پروژه گاپ بر تعهدات دولت ترکیه نسبت به دجله و فرات» نگاشته شده و با توجه به ارتباط موضوع، به قوانین رودخانه‌های مرزی پرداخته است. همچنین آقایان شولی، وطن‌فدا و خانم آوریده در مقاله «بررسی نظریه‌های حقوقی و مقررات تقسیم آب در قوانین معاهدات بین‌المللی آب‌های مرزی»، معاهدات بین‌المللی درباره آب‌های مرزی را بررسی کرده‌اند؛ اما با توجه به این که کشور جمهوری اسلامی ایران نیز در قسمت‌های مهمی از مرزهای خود با مشکل آبراهه‌های مورد استفاده مشترک و اختلافات ناشی از این امر روبه‌روست، در این مقاله، سعی ما بر این است که به این پرسش پاسخ دهیم که با توجه به کمبود شدید آب در جهان امروز، چه قوانین و تعهدات بین‌المللی در حوزه آبراهه‌های بین‌المللی وجود دارد که در صورت تنش‌های احتمالی بین کشورهای همسایه، بتوان از آن‌ها استفاده کرد. مهم‌ترین فرضیه مقاله بر این محور است: «تعهدات عرفی کشورهای کنوانسیون‌های تصویب‌شده بین‌المللی در موضوع آبراهه‌های بین‌المللی، تنها راه رفع اختلاف کشورهای همسایه در این حوزه می‌باشند».

۱. تعریف آبراهه‌های بین‌المللی

براساس بند اول ماده یک کنوانسیون هلسینکی ۱۹۹۲ درباره حفاظت و بهره‌برداری از آبراهه‌های فرامرزی و دریاچه‌های بین‌المللی: «آب‌های فرامرزی به هر آب سطحی یا زیرزمینی اطلاق می‌گردد که مرزهای میان دو یا چند دولت را نشانه‌گذاری، از آن‌ها عبور یا روی آن‌ها واقع شده باشد». با توجه به

ویژگی «فرامرزی بودن»، آبراهه‌های بین‌المللی به‌منزله وجود و اعمال حاکمیت دو یا چند کشور است که می‌بایست خارج از قلمرو ملی و در حوزه بین‌المللی مورد بررسی قرار گیرند.

۲. نظریه‌های حاکم بر رودخانه‌های مرزی

آبراهه‌های بین‌المللی^۱ شامل رودخانه‌ها، تنگه‌ها و کانال‌های بین‌المللی است (اسکندری، ۱۳۹۳: ۴). با وجود این، عهدنامه راجع به حقوق استفاده‌های غیرکشتیرانی از آبراهه‌های بین‌المللی مورخ ۲۱ مه ۱۹۹۷ با اقتباس از عهدنامه بارسلون (۲۰ آوریل ۱۹۲۱)^۲، کاربرد اصطلاح آبراهه بین‌المللی را منحصر به رودخانه بین‌المللی دانسته است. امروزه قابلیت کشتیرانی، معیار چندان تعیین‌کننده‌ای برای توصیف رودخانه‌های بین‌المللی نیست (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۹: ۳۴۱).

برابر ماده یک کنوانسیون ۱۹۹۷ حقوق بهره‌برداری از آبراهه‌های بین‌المللی برای مقاصد غیرکشتیرانی، آبراهه، به ساختار آب‌های سطحی و زیرزمینی گفته می‌شود که به‌واسطه انسجام و روابط فیزیکی، یک واحد آبی را شکل می‌دهند و معمولاً به پایانه‌ای مشترک می‌ریزند (پورهاشمی و دیگران، ۱۳۹۲: ۸۸). از لحاظ جغرافیایی، آبراهه‌های بین‌المللی به دو گروه تقسیم می‌شوند: الف) آبراهه‌های مجاور یا مرزی^۴؛ ب) آبراهه‌های پی‌درپی یا متوالی^۵.

آبراهه‌های مرزی شامل رودخانه‌هایی می‌شود که دو یا چند کشور را از یکدیگر جدا می‌کنند و در واقع تمامی یا قسمتی از آن‌ها، مرز دو یا چند کشور را تشکیل می‌دهند؛ مهم‌ترین اختلاف بین کشورها در این باره معمولاً دربارهٔ تحدید حدود است که اگر با رضایت دولت‌های مربوطه حل‌وفصل گردد، سایر مسائل مربوط به رودخانه‌ها به‌تبع آن انجام می‌شود. این تحدید حدود یا تقسیم رودخانه‌ها یا براساس سطح آب (خط وسط) یا عمق آب (تالوگ) یا به‌صورت حد مشترک (حاکمیت مشترک) انجام می‌شود. رودخانه‌ای را که از قلمرو یک یا چند کشور سرچشمه گرفته و پس از به‌هم‌پیوستن، از خاک دو یا چند کشور عبور می‌کند، رودخانه پی‌درپی یا متوالی می‌نامند؛ آنچه در این گونه رودخانه‌ها مورد نزاع و اختلاف قرار می‌گیرد، معمولاً مسئله مرز نیست، بلکه میزان استفاده از حجم آب و به عبارتی، سهمیه‌بندی دربارهٔ آب‌های آن‌هاست. دولت‌ها تا پیش از کنگره وین ۱۸۱۵، رودخانه‌های بین‌المللی متوالی را جزئی از خاک خود قلمداد می‌کردند. در واقع دیدگاه غالب تا قبل از کنگره وین، اصل حاکمیت سرزمینی مطلق بود (موسی‌زاده و عباس‌زاده، ۱۳۹۵: ۱۷۳).

1. International Waterway

2. Convention on the Law of the Non-Navigational Uses of International Watercourses

3. Barcelona Convention and Statute on the Regime of Navigable Waterways of International Concern

4. Boundary Rivers

5. Successive Rivers

مهم‌ترین اختلاف بین ایران و افغانستان بر سر موضوع آب هیرمند به همین علت است؛ زیرا رهبران سیاسی افغانستان در آغاز قرن بیستم، رودخانه هیرمند را رودی داخلی فرض می‌کردند و هرگونه استفاده از آب آن را حق انحصاری خود می‌دانستند. انحصاری تلقی کردن رودخانه هیرمند توسط افغانستان در یادداشت ۲۵ سپتامبر ۱۹۰۴ سرهنگ مک‌ماهون که مأمور حکمیت بین دو کشور بود، این چنین نقل شده است: «دولت افغانستان نمی‌پذیرد که اختلافی روی مسئله آب وجود دارد؛ زیرا موقعیت جغرافیایی آن‌ها، آنان را تنها صاحبان سراسر هیرمند، واقع در بالای بند سیستان، می‌سازد» (همان: ۱۶۹).

۳. تعهدات عرفی

۳.۱. اصل NO Harm (لاضرر)

از جمله قواعدی که در تعدیل یا تکمیل نصوص شرعی کاربرد مؤثری دارد و احکام فرعی فراوانی از آن متفرع شده است، قاعده لاضرر یا نفی ضرر است. با آنکه نصوص شرعی متعددی به‌عنوان مدرک قاعده یادشده، مورد استناد فقیهان قرار گرفته است؛ اما بی‌شک قبح ضرر و حُسن جلوگیری از آن و در نتیجه نهی از اضرار، از احکامی است که عقل، صرف‌نظر از متون شرعی یا ادله نقلی، به آن حکم می‌کند و از مستندات عقلیه است. در قرن اخیر، بسیاری از نویسندگان فرانسوی، حق را مطلق می‌پنداشتند؛ یعنی کسی که حق خود را اعمال می‌کند، هرچند در اجرای آن به دیگری ضرر بزند، محدودیت و مسئولیتی ندارد. اگر از عمل مشروع کسی، زیانی به دیگری وارد آید، به دلیل مشروع بودن رفتار نباید مرتکب آن را مسئول جبران خسارت دانست؛ اما رفته‌رفته با افول نظر فردگرایان، نویسندگان پذیرفتند که اجرای هیچ حقی آن‌چنان که پیشینیان می‌پنداشتند، مطلق نیست و هیچ‌کس نمی‌تواند با سوءاستفاده از حق خویش به دیگری زیان برساند (مظلوم و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۷).

این اصل در واقع موضوع اصل بیست‌ویکم اعلامیه اجلاس ملل متحد برای محیط‌زیست است.^۱ استفاده غیرزیان‌بار از سرزمین، یکی از اصول حقوق بین‌الملل محیط‌زیست به‌شمار می‌رود. این اصل که با دعوای ایالات متحده و کانادا بر سر کارخانه تریل اسملتر^۲ شناسایی شد، بر حقوق حاکمه دولت‌ها در بهره‌برداری از منابع آن‌ها مطابق با سیاست‌های محیط‌زیست خود تأکید دارد و این امر را یادآور می‌شود که دولت‌ها مسئول‌اند به گونه‌ای عمل کنند که فعالیت‌های انجام‌شده در حیطه صلاحیت یا نظارت آن‌ها موجب ورود زیان به محیط‌زیست سایر کشورها یا مناطق نگردد (رضانی قوام‌آبادی، ۱۳۸۶: ۵۷).

1. The principle of Non harmful Use of land
2. Trail Smelter case (USA, Canada).

این اصل برای اولین بار در اصل بیست و یکم اعلامیه استکهلم^۱ و سپس در اسناد دیگر دنبال شده و در آرای متعدد مراجع بین‌المللی مورد پذیرش قرار گرفته و تبدیل به قاعده‌ای عرفی گردیده است. قسمت دوم اصل سیزدهم اعلامیه ریو (۱۹۹۲) نیز این‌گونه اشعار می‌دارد:

دولت‌ها باید دربارهٔ مسؤلیت ناشی از آلودگی و دیگر صدمات ناشی از آلودگی و صدمات وارده به محیط‌زیست و پرداخت غرامت به قربانیان این خسارت‌ها قوانین ملی مربوط را تدوین نمایند. به‌علاوه دولت‌ها باید برای تدوین مقررات بین‌المللی جدید در مورد مسؤلیت و پرداخت غرامت در قبال خسارتی که در اثر فعالیت‌های انجام‌شده در تحت صلاحیت اقتدار آن‌ها به مناطق واقع در خارج از قلمرو ملی ایشان وارد می‌آید، با دقت و قاطعیت تمام همکاری کنند.

۳.۲. اصل بهره‌برداری منصفانه و معقول؛ موضوع ماده ۱۵ طرح مصوب کمیسیون حقوق بین‌الملل

سال ۱۹۹۱

در حقوق بین‌الملل آبراهه‌ها، سازگاری میان مصارف مختلف از آب براساس دو اصل استفاده منصفانه و معقولانه و قانون عدم ایجاد ضرر است (عصاری، ۱۳۹۷: ۷۸). هر کشوری باید آزادی عمل و مجوز لازم را برای تنظیم حدود خود مطابق با نیازهای عملی و محلی‌اش داشته باشد^۲. انجمن حقوق بین‌الملل برای تشکیل این اصول، تلاش‌های اولیه را در کنفرانس دوبروونیک در سال ۱۹۵۶^۳ انجام داد و شاهد موفقیت‌های محدودی نیز بود. در این کنفرانس، توصیه شده بود: «کشورهای اطراف یک رودخانه بین‌المللی برای رسیدن به توافق و نیز کشورها و محاکم در حل و فصل اختلافات و... باید منفعت رسیده به یک کشور را در مقابل ضرر وارده به کشور دیگر، در یک بهره‌برداری خاص از آب، باهم بسنجند».

با توجه به آنکه هر آبراه بین‌المللی از ویژگی‌های خاصی برخوردار است، تاکنون پی‌ریزی نظام حقوقی بدون ابهام و دربردارنده قواعد عمومی و فراگیر میسر نشده است. با این‌همه از سال ۱۹۷۱ که این موضوع در دستور کار کمیسیون حقوق بین‌الملل قرار گرفته، بررسی‌های بیشتری در این مورد انجام شده است. تلاش کمیسیون در این باره سازگار نمودن حقوق حاکمه دولت در بهره‌گیری از

۱. اصل بیست و یکم بیانیه استکهلم: «دولت‌ها به‌موجب منشور ملل متحد و اصول حقوق بین‌الملل، دارای حقوق حاکمه برای بهره‌برداری از منابع‌شان مطابق سیاست‌های زیست‌محیطی خود هستند و مسئول‌اند ترتیبی دهند تا فعالیت‌های انجام‌شده در حیطه صلاحیت یا نظارت آن‌ها موجب ورود زیان به محیط‌زیست دیگر کشورها یا مناطق خارج از حیطه صلاحیت ملی نگردد».

2. Fisher Case (United Kingdom V.S Norway), ICJ. Rep. 116, 133. 1956.

3. International Law Association Statement of Principles Resolution of Dubrovnik, 1956.

آب‌های سرزمین خود و تعهد به خودداری از اعمال این حاکمیت به ضرر دولت دیگر است. حاصل این تلفیق که در ماده ۱۵ طرح مصوب کمیسیون در سال ۱۹۹۱ مطرح شده است، قاعده «استفاده و مشارکت منصفانه و معقول» از آبراه است که براساس آن، بهره‌برداری یک دولت از آبراه نباید به ضرر بیش از اندازه برای دولت دیگر بینجامد. معیار اصلی برای تشخیص منصفانه بودن استفاده از آبراه، میزان و اهمیت زیان‌های وارده بر آن است. به سخن دیگر، دولت‌های حاشیه آبراه در بهره‌برداری، توسعه و نگهداری از یک آبراه بین‌المللی به طریقی همسان و منطقی مشارکت خواهند کرد. چنین مشارکتی شامل حق بهره‌برداری از آبراه و وظیفه همکاری در محافظت و توسعه آن است (حبیبی، ۱۳۸۵: ۷۹).

اصل استفاده منصفانه و معقولانه، قدرتمندترین ابزار برای اطمینان‌یابی از تحقق عدالت بین نسلی با در نظر گرفتن همه معیارها و شرایط استفاده از آبراه‌های بین‌المللی و هم‌چنین معیارهای مربوط به حفاظت از محیط‌زیست و نیازهای توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورهای درون آبراه‌هاست. کنوانسیون آبراه‌های بین‌المللی سازمان ملل متحد در مواد ۵ تا ۷ و نیز کنوانسیون آب کمیسیون اقتصادی اروپا در ماده ۲، کشورها را ملزم می‌کند تا استفاده از منابع آبی مشترک به صورت منصفانه و معقولانه بوده و به دیگر کشورها آسیب شدید وارد نکند (عصاری، ۱۳۹۷: ۷۹).

۳.۳. اصل ارزیابی زیست‌محیطی

ارزیابی قبلی فعالیت‌های بالقوه خطرناک، تعهدی است که از مفهوم پیشگیری سرچشمه می‌گیرد. از آنجاکه کوتاهی و قصور در تلاش برای جلوگیری از خطرات فرامرزی ممکن است به مسئولیت بین‌المللی بینجامد، این مسئله نیز قابل بررسی است که انجام صحیح و دقیق یک ارزیابی تأثیرات زیست‌محیطی می‌تواند به عنوان معیاری برای تعیین میزان توجه و دقت در پیشگیری از خطر عمل کند (کوروکولا سوریا و رایبسون، ۱۳۹۰: ۱۱۸).

در پرونده آرژانتین علیه اروگوئه^۱، از نظر دیوان اروگوئه ملزم بوده است برای ارزیابی زیست‌محیطی پروژه ذی‌ربط، وقایع موجود را در اختیار کمیسیون قرار دهد. این وظیفه کمیسیون است که ارزیابی نهایی را انجام دهد. این تعهد از نگاه دیوان، زمانی برای اروگوئه ایجاد می‌شود که شرکت ذی‌ربط برای اخذ مجوز به نهاد صالح آن دولت مراجعه می‌کند.^۲

1. Argentina v. Uruguay

2. the Court noted that Uruguay had not informed the Administrative Commission of the River Uruguay (CARU) of the projects as prescribed in the Statute. The Court concluded that, by not informing CARU of the planned works before the issuing of the initial environmental authorizations for each of the mills and for the port terminal adjacent to the Orion (Botnia) mill, and by failing to notify the plans to Argentina through CARU, Uruguay had violated the 1975 Statute.

آنچه دیوان درباره نقض این اصل مدنظر قرار داده، تدابیری شکلی است. به‌زعم دیوان، اروگوئه ملزم بوده است اطلاعات کافی و کامل درباره ارزیابی‌های زیست‌محیطی مربوط به طرح را به کمیسیون منتقل و نظر نهایی را به این مرجع واگذار کند. همچنین این تعهد هنگامی بر دوش دولت اروگوئه مستقر می‌گردد که پیمانکار مربوطه برای اقدامات مجوز به نهاد صالح آن کشور مراجعه کرده باشد. دیوان، اصل ارزیابی آثار زیست‌محیطی را اصل فرعی و با حصول شرایطی الزام‌آور تلقی نموده است (موسوی و دیگران، ۱۳۹۴: ۲۰). افزون‌براین، دیوان در قضیه گاجچی‌کوو- ناگیماروس^۱، ماهیت عرفی بخشی از قواعد حقوق بین‌الملل محیط‌زیست را مورد تأیید قرار داد؛ از جمله این که تأیید کرد که منافع زیست‌محیطی می‌تواند به‌عنوان منافع اساسی تلقی شده و مبنایی برای استناد به حالت ضرورت باشند. دیوان در این قضیه به تبیین ارتباط میان توسعه اقتصادی و حفاظت از محیط‌زیست پرداخت. دادگاه تأکید نمود که به‌منظور استفاده از منابع آبی برای دلایل اقتصادی، آثار آن بر محیط‌زیست و ریسک قابل انتظار برای نسل‌های حاضر و آینده در نظر گرفته شود.

۴. تعهدات معاهداتی

کشورهای بالادست همواره استفاده از منابع آب رودخانه‌های برخاسته از خاک خویش را به‌نوعی حق قانونی و ملی خود می‌دانند. با توجه به فراوانی آب تاکنون مناقشات جدی در این زمینه به‌وجود نیامده است، ولی رفته‌رفته با کاهش عرضه آب و افزایش تقاضا و خشک شدن تالاب‌ها و دریاچه‌ها، استفاده از نیروی نظامی برای تحقق خواسته‌ها از سوی کشورهای ذی‌نفع اصلاً دور از انتظار نبوده و نخواهد بود (ستاری، ۱۳۹۶: ۲). دعوای مصر- اتیوپی درباره سد رنسانس یا سد النهضه، یکی از این مناقشات است که هر روز وارد وضعیت دشوارتری می‌شود. سدی چهار میلیارد دلاری در قلب اتیوپی با ظرفیت پیش‌بینی‌شده بیش از شش هزار مگاوات که بهره‌برداری از آن در اوایل سال ۲۰۱۱، زمانی که مصر در هرج‌ومرج سیاسی به‌سر می‌برد، اعلام شد. مقامات مصری با استناد به موافقت‌نامه سال‌های ۱۹۲۹ میان مصر و بریتانیا و ۱۹۵۹ میان مصر و سودان که تکمیل‌کننده قرارداد قبلی است، خواهان برداشت سالانه پنجاه و پنج و نیم میلیارد مترمکعب آب از نیل هستند. در سوی دیگر، مقامات اتیوپی با توجه به این حقیقت که سرچشمه ۸۶ درصد آب نیل از این کشور است، پیشنهاد رهاسازی سالانه سی و پنج میلیارد مترمکعب آب از سد به سوی مصر را ارائه داده است که با رقم مورد نظر مصر هم‌خوانی ندارد.

ذخیره نزدیک به هفتاد میلیارد مترمکعب آب در پشت یک سد به معنای تهدید دائم مناطق پایین‌دست است. از دیدگاه مصری‌ها، چنانچه به‌واسطه جنگ یا سیلاب‌های ویرانگر سرشاخه‌های نیل،

1. International Court of Justice, Gabcikovo- Nagymaros Project (Hungry v.s Slovakia), ICJ Reports, 1997: 17-18.

سد نهضت بشکند، عملاً همه شهرهای مسیر تا دریای مدیترانه نابود خواهد شد. سد نهضت موجب تبخیر مقدار قابل توجهی از آب رودخانه و در نتیجه کاهش میزان آب جاری به پایین دست رودخانه خواهد شد. برآورد می‌شود هر سال نزدیک به ده میلیارد مترمکعب که حدود یک‌هشتم آب نیل است، در دریاچه سد آسوان تبخیر می‌شود. آبیگری سریع سد نهضت در طول سه سال با توجه به مخزن نزدیک به هفتاد میلیارد مترمکعبی آن، از حرکت نزدیک به یک‌سوم آب نیل به سمت مصر جلوگیری می‌کند. از این رو، این اقدام به معنای کاهش پنجاه درصدی سهمیه کنونی مصر از نیل است که آثار بسیار مخربی بر کشاورزی مصر خواهد داشت. ذخیره آب در سد نهضت عملاً موجب کاهش توان سد آسوان در تولید برق خواهد شد که با توجه به بحران انرژی در مصر و گرانی اخیر بهای سوخت در آن کشور، در عمل مصر را با بحران جدی در زمینه برق و انرژی روبه‌رو خواهد ساخت.

سودان نیز تحت تأثیر ساخت سد رنسانس قرار می‌گیرد، اما این تأثیر مثبت است؛ زیرا باعث می‌شود این کشور از طغیان‌ها و سیلاب‌های فصلی در امان بماند و برق مورد نیاز خود را از تولید برق در سد رنسانس از اتیوپی بخرد. طبیعی است سودان در قضیه اختلاف میان مصر و اتیوپی، جانب اتیوپی را بگیرد.

با وجود دیپلماسی فعالی که میان دو کشور مصر و اتیوپی بر سر نحوه بهره‌برداری از آب نیل در جریان است، تاکنون مذاکرات آن‌ها دستاورد مثبتی به همراه نداشته است. بی‌شک بهره‌برداری غیرمنصفانه از رود نیل که نتیجه قراردادهای استعماری، نبود سازوکار مناسب تقسیم‌بندی آب، افزایش جمعیت و رشد صنعت ساخت سد رنسانس و سرانجام دخالت قدرت‌های خارجی است، روابط ژئوپلیتیکی میان مصر، سودان و اتیوپی را متأثر نموده و در نهایت عرصه رویارویی ژئوپلیتیکی میان مصر، سودان و اتیوپی خواهد شد (اطاعت و دیگران، ۱۳۹۷: ۶۲-۶۶).

در ادامه، مهم‌ترین اسنادی را که تاکنون در راستای قاعده‌مندسازی حقوقی وضعیت آبراهه‌های بین‌المللی صادر شده‌اند، بررسی می‌کنیم.

۴. ۱. اعلامیه مادرید ۱۹۱۱؛ محدودیت‌های انجمن حقوق بین‌الملل در استفاده غیرمنطقی

کشورهای بالادست از آبراهه‌ها

«مقررات بین‌المللی در مورد استفاده از آب‌های بین‌المللی برای مقاصد غیر از کشتیرانی» یا «اعلامیه مادرید»^۱، نخستین قطعنامه انجمن حقوق بین‌الملل (III) درباره منابع مشترک است که در سال ۱۹۱۱ به تصویب رسید. براساس این قطعنامه: «هیچ دولتی نمی‌تواند بدون جلب رضایت دولت دیگر و بدون

1. International Regulation regarding the Use of International Watercourses for Purposes other than Navigation- Declaration of Madrid, 20 April 1911.

کسب مجوز قانونی مخصوص و معتبر توسط شرکت‌ها یا اشخاص، تغییراتی در رودخانه به وجود آورد و یا انجام چنین اقداماتی جلوگیری نکند و سبب وارد شدن خسارت به دولت دیگر گردد. هیچ دولتی حق ندارد به طور مستقیم یا غیرمستقیم توسط اشخاص یا شرکت‌ها در سرزمین خود، به نحوی از آب رودخانه بهره‌برداری کند که به بهره‌برداری مستقیم یا غیرمستقیم دولت‌های دیگر زیان برساند.

این اعلامیه می‌تواند یکی از مستندات مهم ایران برای اعتراض به تصمیم احتمالی و غیرقانونی کشور عراق در تغییر مسیر اروندرود باشد. دولت عراق پس از برقراری آتش‌بس و آغاز مذاکرات صلح چندین بار اعلام کرده است در نظر دارد جریان آب اروندرود را تغییر دهد. طرح دولت عراق برای تغییر مسیر اروندرود، ناقض عهدنامه مرزی و حُسن هم‌جواری ۱۹۷۵ بین ایران و عراق است. بدیهی است لغو یک‌جانبه عهدنامه یادشده توسط دولت عراق در ۱۷ سپتامبر ۱۹۸۰ به هیچ وجه از نظر دولت ایران قابل قبول نیست و مقامات مسئول ایران بارها بر اعتبار این عهدنامه و سه پروتکل پیوست آن و چهار موافقت‌نامه تکمیلی تأکید کرده‌اند. از سوی دیگر، حقوق بین‌الملل نیز لغو یک‌جانبه عهدنامه‌ای مرزی را به هیچ عنوان مجاز نمی‌داند (نیرومندفر و شهیدی، ۱۳۹۷: ۲۵۴).

هم‌چنین این عهدنامه می‌تواند منبع مستندی برای اعتراض از طرف ایران به دو کشور ارمنستان و آذربایجان برای استفاده بیش از اندازه و خلاف قانون از رود ارس برخلاف موافقت‌نامه میان دولت جمهوری اسلامی ایران و اتحاد شوروی سابق در ۶ دسامبر ۱۹۸۸ برابر ۱۵ آذر ۱۳۶۷ در مسکو باشد. پس از فروپاشی شوروی سابق و تشکیل جمهوری‌های مستقل ارمنستان و آذربایجان، هیچ‌گونه قرارداد جدیدی درباره آب‌های ارس و چگونگی بهره‌برداری از آن منعقد نشده است. همان‌طور که در تمامی قراردادهای ایران و شوروی، از جمله قرارداد نامبرده اشاره شده است، حدود مرزی ایران و شوروی سابق، در رودخانه‌های مرزی، به ویژه ارس، خط منصف بوده و تأکید بر استفاده مساوی از آب رودخانه مرزی به صورت بالمناصفه بوده است؛ اما هم‌اکنون دو سوم آب رودخانه ارس توسط این دو کشور مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد که این مسئله، حق ایران را هم از لحاظ بهره‌برداری و هم از لحاظ حقوقی پایمال می‌کند.

براساس ماده ۴ کنفرانس سالزبورگ ۱۹۶۱: «بهره‌برداری دولت‌ها از آب رودخانه‌ها نباید به نحوی باشد که موجب وارد شدن زیان و خسارت به دولت دیگر گردد». در این ماده افزوده شده است که: «در صورتی که دولتی با انجام چنین اقداماتی به دولت دیگر خسارت وارد نماید، باید غرامت آن را بپردازد».

نظریه یکپارچگی مطلق رودخانه‌ای در نقطه مقابل حاکمیت مطلق سرزمینی قرار دارد و حقوق دولت‌های پایین‌دست رودخانه را توجیه و تبیین می‌کند. برابر این نظریه، دولت بالادست رودخانه

نمی‌تواند هر اقدامی را فارغ از هرگونه تأثیری که بر دولت پایین‌دست رودخانه می‌گذارد، انجام دهد و وظیفه قانونی دارد آب را به اندازه نیاز کشور پایین‌دست در رودخانه رها سازد (امین‌زاده و دیگران، ۱۳۹۶: ۲۶).
 دعوای شیلی علیه بولیوی در قضیه اختلافات راجع به وضعیت و استفاده از آب‌های رودخانه سیلالا را می‌توان نمونه‌ای از دعوای بر مبنای معیار تاریخی دانست. شیلی در ۶ ژوئن ۲۰۱۶ با تقدیم دادخواستی به دیوان بین‌المللی دادگستری، دعوایی را علیه بولیوی با موضوع وضعیت استفاده از آب‌های رودخانه سیلالا^۱ مطرح نمود و مدعی شد که آب‌های رودخانه سیلالا در طول تاریخ و بیش از یک قرن توسط شیلی به مقاصد گوناگون، از جمله تأمین آب شهرهای آنتوفاگاستا^۲ و سیراگردا^۳ مورد بهره‌برداری قرار می‌گرفته است. براساس ادعای شیلی، رودخانه سیلالا وصفی بین‌المللی دارد و در دسته آبراهه‌های بین‌المللی طبقه‌بندی می‌گردد و براین اساس نظام حقوقی حاکم بر آن باید تابع نظام حقوقی آبراهه‌های بین‌المللی باشد. هم‌چنین شیلی در دادخواست خود ادعا کرده است در طی بیش از یک قرن، نظام بهره‌برداری مشترک از این رودخانه هیچ‌گاه مورد اعتراض بولیوی قرار نگرفته است تا این که بولیوی در سال ۱۹۹۹ با نقض حق شیلی، استفاده از آب‌های این رودخانه را حق انحصاری بولیوی اعلام نموده است.

در قضیه کمیسیون بین‌المللی رودخانه اودر^۴، دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری در تعیین اعمال معاهده ورسای نسبت به شعبه‌های قابل کشتیرانی رودخانه اودر به اصطلاح «حقوق بین‌الملل رودخانه‌ای در کل» اشاره دارد. در بخشی از رأی دیوان آمده است:

در خصوص یک رودخانه منفرد که از مرز یک یا چند کشور عبور می‌کند یا مرز دو یا چند کشور را از هم جدا می‌سازد، به‌منظور امکان اجرای شرایط عدالت و ملحوظ نمودن بهره‌برداری از آن، راه‌حل مسئله تنها حق عبور به نفع کشورهای بالادست نیست، بلکه در اشتراک منافع کشورهای آبراهی است. این اشتراک منفعت در یک رودخانه قابل کشتیرانی پایه و اساس یک حق قانونی مشترک را تشکیل می‌دهد که اساسی‌ترین ویژگی آن، تساوی کامل کلیه کشورهای آبراهی در استفاده از کل جریان رودخانه و کنار نهادن هرگونه امتیاز و برتری هر یک از کشورهای آبراهی نسبت کشورهای دیگر است.^۵

1. Silala
2. Antofagasta
3. Sierra Gorda

۴. اودر یا ادر، رودی در اروپای مرکزی است که از جمهوری چک سرچشمه گرفته و به سمت غرب لهستان روانه می‌شود و سپس به‌عنوان بخشی از مرز اودر-نایسه، ۱۸۷ کیلومتر از مرز بین دو کشور آلمان و لهستان را تشکیل می‌دهد.

5. www.internationalwaterlaw.org/cases/river-oder/ (Series A No 23 -Series C No 17-11)/ Judgment of September 10th, 1929.

۲.۴. قواعد هلسینکی ۱۹۹۶^۱

قوانین هلسینکی در استفاده از منابع آبی رودخانه‌های بین‌المللی توسط انجمن حقوق بین‌الملل (ILA) در نشست هلسینکی در سال ۱۹۹۶ تصویب شد. به موجب این قوانین، همه کشورهای واقع در مسیر رودخانه نسبت به بهره‌برداری از منابع آب حق مساوی دارند و هیچ کشوری حق استفاده از آب رودخانه را در صورت ایجاد خسارت به سایر کشورهای ساحلی رودخانه ندارد. به طور کلی قواعد هلسینکی بر دو اصل مهم بنا شده است: ۱. استفاده همه کشورهای یک حوضه بین‌المللی از آب‌های آن؛ ۲. اصل استفاده معقول و منصفانه از آب‌های حوضه بین‌المللی. افزون بر این که اصل التزام به عدم آسیب‌رسانی به صورت غیرمستقیم و به عنوان یکی از یازده عامل تعیین سهم استفاده معقول و منصفانه منظور شده است. برابر ماده چهار مقررات هلسینکی، سهم معقول و منصفانه از آب‌های یک حوضه فرامرزی باید برای استفاده مفید به کار رود و برای این که استفاده مفید دانسته شود، باید از لحاظ اقتصادی و اجتماعی سودمند تلقی گردد. رویه انجمن حقوق بین‌الملل در تفسیر ماده ۵ قانون هلسینکی نشان می‌دهد که تفسیر استفاده منصفانه و معقول بسیار گسترده بوده و این امر به نوعی موجب بی‌ثباتی یا به تعبیر بهتر، موجب ناتوانی پیش‌بینی در این تعابیر می‌شود. همچنین اثبات برتری برخی استفاده‌ها یا تقدم استفاده‌های موجود یا مغایرت و تناقض یک استفاده با سایر استفاده‌ها، ناظر بر مواد ۶، ۷ و ۸ قواعد هلسینکی در داوری‌های بین‌المللی به سادگی ممکن نیست (شولی و دیگران، ۱۳۹۴: ۸۵).

۳.۴. کنوانسیون سازمان ملل متحد درباره آبراهه‌های بین‌المللی ۱۹۹۷^۲

در سال ۱۹۷۰ قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد با عنوان «توسعه تدریجی و تدوین قواعد حقوق بین‌المللی مربوط به آبراهه‌های بین‌المللی» به تصویب رسید. برابر این قطعنامه، کمیسیون حقوق بین‌الملل، کار بر روی موضوع آبراهه‌های بین‌المللی را آغاز کرد. پس از بیست سال، این کمیسیون در سال ۱۹۹۱ اولین پیش‌نویس خود را با عنوان «قانون استفاده‌های غیرکشتیرانی از رودخانه‌های بین‌المللی» براساس دو اصل «استفاده معقول و منصفانه» از آب‌های مشترک و «التزام به عدم آسیب‌رسانی جدی به سایر کشورهای حاشیه رودخانه» را ارائه کرد. این پیش‌نویس در سال ۱۹۹۴ به مجمع عمومی سازمان ملل متحد ارائه گردید و پس از انجام اصلاحات در سال ۱۹۹۷ با عنوان «کنوانسیون استفاده‌های غیرکشتیرانی از آبراهه‌های بین‌المللی»^۳ برای امضای کشورهای عضو سازمان ملل متحد ارائه

1. Helsinki Convention

2. Convention on the Law of the Non-navigational Uses of International Watercourses Adopted by the General Assembly of the United Nations on 21 May 1997.

3. Convention on the Law of the Non-Navigational Uses of International Watercourses.

شد و سرانجام در مردادماه سال ۱۳۹۳ (۲۰۱۴)، پس از به حد نصاب رسیدن تعداد کشورهای موافق، لازم‌الاجرا گردید (Boisson et al, 2015: 1-9). به‌طور کلی مقررات حقوقی مطرح شده در این کنوانسیون، به‌عنوان تنها کنوانسیون جامع بین‌المللی در زمینه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست دریاچه‌ها و آبراهه‌های بین‌المللی، به دو طبقه قابل تفکیک‌اند: اصول کلی حقوقی و قواعد مربوط به حفظ، نگهداری و مدیریت آبراهه‌های بین‌المللی.

۴.۳.۱. اصول کلی حقوقی

در این کنوانسیون بسیاری از اصول حقوقی مطرح در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، هم‌چون اصل «بهره‌برداری و استفاده منطقی و منصفانه از منابع»، اصل «ممنوعیت وارد آوردن خسارت بر قلمرو سرزمینی دولت دیگر» و اصل «همکاری بین‌المللی» تدوین گردیده است. برابر ماده ۵ این کنوانسیون، دولت‌های ساحلی دریاچه‌ها و آبراهه‌های بین‌المللی بایستی از منابع واقع‌شده در قلمرو سرزمینی خود به گونه‌ای منطقی و منصفانه بهره‌برداری کنند. ماده ۶ در راستای اعمال این اصل حقوقی، چند روش و راهکار ارائه می‌کند. براساس این ماده، دولت‌های ساحلی دریاچه‌ها و آبراهه‌های بین‌المللی بایستی با رعایت ویژگی‌های طبیعی، نیازهای اقتصادی و اجتماعی و در نظر گرفتن آثار استفاده‌های متفاوت از منابع مشترک با سایر کشورها از منابع زیست‌محیطی آبراهه‌ها و دریاچه‌های بین‌المللی حفاظت کنند. هم‌چنین در ماده ۷ بر اصل «ممنوعیت وارد آوردن خسارت بر قلمرو سرزمینی دولت دیگر» تصریح می‌کند که این اصل همان‌گونه که گفته شد، یکی از اصول اولیه حقوق بین‌الملل است (مشهدی و دیگران، ۱۳۹۷: ۳۱۶).

بسیاری از حقوق‌دانان درباره رابطه میان این دو اصل، اظهارنظرهای متفاوتی ارائه نموده‌اند. برخی بر آنند که اصل «استفاده منطقی و منصفانه از منابع»، یک اصل حقوقی جدید است و به‌صورت مستقل قابلیت اعمال و اجرا دارد و در کنار آن، اصل «ممنوعیت وارد آوردن خسارت بر قلمرو سرزمینی دولت دیگر»، اصلی سنتی و کلاسیک در حقوق بین‌الملل است و رابطه‌ای میان این دو اصل وجود ندارد. در مقابل، عده‌ای دیگر از حقوق‌دانان، از جمله کافلیش^۱، معتقدند که اصل «استفاده منطقی و منصفانه از منابع»، شکل تکمیل‌یافته اصل «ممنوعیت وارد آوردن خسارت بر قلمرو سرزمینی دولت دیگر» است. بنابراین تعارض یا دوگانگی‌ای میان این دو اصل وجود ندارد (Caflich, 1997: 757).

به نظر می‌رسد نظریه دوم با واقعیت حقوقی محیط‌زیست مناسب‌تر باشد؛ زیرا «وارد نکردن خسارت به سرزمین دولت دیگر»، وامدار استفاده منطقی و منصفانه از منابع مشترک است؛ بدین معنا که اگر دولتی

از منابع معدنی و زیست‌محیطی خود به گونه‌ی منطقی و منصفانه بهره‌برداری کند، بالتبع اصل دوم نیز تحقق می‌یابد.

دیوان بین‌المللی دادگستری در حکمی که در دعوی «گابچیکوو ناگیماروش»^۱ - اختلاف میان مجارستان و اسلواکی - در تاریخ ۲۵ سپتامبر ۱۹۹۷ صادر کرد، با همین برداشت از رابطه‌ی میان این دو اصل، بر اصل «استفاده‌ی منطقی و منصفانه از منابع» تأکید کرد؛ بدون این‌که اشاره‌ای به اصل «ممنوعیت وارد آوردن خسارت بر قلمرو سرزمینی دولت دیگر» داشته باشد.

اصل مهم دیگر که در کنوانسیون نیویورک مطرح می‌شود، اصل «همکاری بین‌المللی» است. این اصل، اساساً با رعایت برابری حاکمیت میان دولت‌ها، تمامیت ارضی و بهره‌برداری متقابل از ظرفیت‌های موجود در دولت‌های ساحلی دریاچه یا آبراه بین‌المللی مشترک انجام می‌شود. برای تحقق این اصل در فضایی مشترک، تبادل اطلاعات و داده‌ها درباره‌ی وضعیت آب‌وهوایی، آب‌شناسی و زیست‌محیطی دریاچه یا آبراهه‌های بین‌المللی مشترک، نقش مهم و اساسی دارد. گفتنی است که این کنوانسیون به اصول مهم حقوقی مطرح در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست اشاره‌ی مستقیم دارد؛ به استثنای اصل «احتیاط» که به نظر می‌رسد در حال ایجاد و گسترش در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست است و بایستی منتظر توسعه‌های بعدی این گرایش حقوقی بود (مشهدی و دیگران، ۱۳۹۷: ۳۱۷).

۲.۳.۴. قواعد مربوط به حفظ، نگهداری و مدیریت آب‌های بین‌المللی

برابر ماده‌ی اول کنوانسیون نیویورک، قلمرو اجرایی آن عبارت است از استفاده‌های غیرکشتیرانی از آبراهه‌های بین‌المللی، مانند حفاظت، نگهداری و مدیریت. بنابراین هدف اصلی کنوانسیون مذکور عبارت است از حفاظت زیست‌محیطی دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و آبراهه‌های بین‌المللی و نیز استفاده‌های غیرکشتیرانی، شامل بهره‌برداری‌های صنعتی، کشاورزی، ماهی‌گیری و استخراج از منابع معدنی که به گونه‌ای با مسائل زیست‌محیطی آن در ارتباط است.

مسائل مربوط به حفاظت زیست‌محیطی از آب‌های بین‌المللی در مواد ۲۰ تا ۲۶ این کنوانسیون مطرح شده است؛ برای نمونه، در ماده‌ی ۲۱، آلودگی یک آبراه بین‌المللی شامل هرگونه تغییرات خسارت‌آور به ترکیب یا کیفیت آب‌های واقع‌شده در آن می‌شود که ناشی از فعالیت‌های انسانی مستقیم یا غیرمستقیم باشد. از این‌رو دولت‌ها موظف‌اند از پدید آوردن هرگونه آلودگی در آبراهه‌های بین‌المللی خودداری کنند. مبانی نظری مواد ۲۲ و ۲۳ کنوانسیون، براساس اصل حقوقی «ممنوعیت وارد آوردن خسارت بر قلمرو سرزمینی دولت دیگر» بنا شده است. از این‌رو ماده‌ی ۲۲، دولت‌های ساحلی را ملزم

1. Gabcikovo-Nagymaros

می‌کند پیش‌بینی‌ها و پیشگیری‌های لازم را برای حفاظت از منابع مشترک آبی به انجام رسانند تا موجب وارد آوردن ضرر و زیان به دیگر کشورها نشوند.

براساس ماده ۱۰ کنوانسیون، در نبود موافقت‌نامه یا عرف در بین کشورها، «هیچ استفاده‌ای از اولویت ذاتی نسبت به دیگر مصارف برخوردار نیست» و این، در «صورت تعارض بین استفاده‌های مختلف [که باید حل‌وفصل شود]، باید به تأمین نیازهای حیاتی انسانی توجه ویژه‌ای اعمال گردد» (همان: ۹۰).

۴.۴. قواعد برلین درباره منابع آبی ۲۰۰۴

مقررات برلین خلاصه‌ای روشن، مستدل و قابل توجه از حقوق بین‌الملل عرفی مربوط را که دربرگیرنده تجاری نزدیک به چهار دهه از زمانی که مقررات هلسنیکی پذیرفته شده بود، بیان می‌کند. در این سند، بعد از فصل مقدماتی که چهارچوب و تعاریف مهم را بیان می‌کند، فصل دوم به تبیین اصول کلی قابل‌اعمال درباره تمامی آب‌ها که شامل حق مشارکت عمومی، تعهد به استفاده از بهترین تلاش‌ها برای رسیدن به هر دو مورد مدیریت پیوسته (مرتبط) و منسجم (هماهنگ) و وظایفی که برای رسیدن به پایداری (توسعه پایدار) و به حداقل رساندن زیان‌های زیست‌محیطی است، بیان می‌دارد. بیشتر تغییرات در مقررات برلین مربوط به قواعد حقوق بین‌الملل عرفی قابل‌اعمال به تمام آب‌های داخلی و بین‌المللی است. فصل هشتم قواعد برلین، اولین بررسی جامع از حقوق عرفی قابل‌اعمال درباره آب‌های زیرزمینی را ارائه می‌دهد. مقررات برلین، حقوق بشردوستانه درباره منابع آبی در خلال مخاصمات مسلحانه، کشتیرانی و حل اختلافات و تمام موضوعاتی را که کنوانسیون سازمان ملل یا مواد پیش‌نویس، نادیده انگاشته بودند یا بسیار کم در خصوص آن‌ها صحبت شده بود، مدنظر قرار داده است (عصاری، ۱۳۹۷: ۶۷).

تفاوت اصلی بین قوانین هلسنیکی و کنوانسیون سازمان ملل متحد از یک سو و قوانین برلین از سوی دیگر، آن است که قوانین هلسنیکی و کنوانسیون سازمان ملل بر حق استفاده منصفانه و معقولانه تأکید می‌کنند؛ در حالی که قوانین برلین بر التزام مدیریت منابع آب مشترک در حالت منصفانه و معقولانه تأکید دارد (Salman, 2007: 627). نکته دیگر بین این قوانین، آن است که قوانین برلین، منوط به لزوم وارد نیامدن خسارت شدید به سایر کشورهای ساحلی است؛ اما قوانین هلسنیکی، تنها به لزوم آسیب نرساندن به شاخص‌ها و معیارهای استفاده معقولانه و منصفانه منابع آب تأکید دارند. کنوانسیون ۱۹۹۷ نیز از این نظر شبیه قوانین هلسنیکی است؛ با این تفاوت که برخلاف قوانین هلسنیکی، ماده قانونی جداگانه‌ای را به ممنوعیت وارد آمدن خسارت به سایر کشورها اختصاص داده است. افزون‌براین، مواد قانونی زیست‌محیطی قوانین برلین بسیار جامع‌تر از دو قانون دیگر است.

نتیجه

یکی از مهم‌ترین چالش‌های قرن اخیر، تلاش برای ایجاد هماهنگی بیشتر میان کشورهای دارای منابع آبی مشترک و تخصیص عادلانه این منابع در میان آنهاست. استفاده غیرزیان‌بار از سرزمین، یکی از اصول حقوق بین‌الملل محیط‌زیست به‌شمار می‌رود. این اصل بر حقوق حاکمه دولت‌ها در بهره‌برداری از منابع آنها مطابق با سیاست‌های محیط‌زیست خود تأکید دارد و این امر را یادآور می‌شود که دولت‌ها مسئول‌اند چنان عمل کنند که فعالیت‌های انجام‌شده در حیطه صلاحیت یا نظارت آنها موجب ورود زیان به محیط‌زیست سایر کشورها یا مناطق نگردد. در حقوق بین‌الملل آبراه‌ها، سازگاری میان مصارف مختلف از آب براساس دو اصل استفاده منصفانه و معقولانه و قانون عدم ایجاد ضرر است. هر کشوری باید آزادی عمل و مجوز لازم برای تنظیم حدود خود مطابق با نیازهای عملی و محلی‌اش داشته باشد. براساس قوانین هلسنکی ۱۹۹۶، همه کشورهای واقع‌شده در مسیر رودخانه نسبت به بهره‌برداری از منابع آب حق مساوی دارند و هیچ کشوری حق استفاده از آب رودخانه را در صورت ایجاد خسارت به سایر کشورهای ساحلی رودخانه ندارد. در کنوانسیون ۱۹۹۷ راجع به حقوق استفاده‌های غیرکشتریانی از آبراه‌های بین‌المللی، بسیاری از اصول حقوقی مطرح در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، هم‌چون «اصل بهره‌برداری و استفاده منطقی و منصفانه از آب و اصل ممنوعیت وارد آوردن خسارت بر قلمرو سرزمین دولتی دیگر» و اصل «همکاری بین‌المللی» تدوین و ارائه شده است.

مقررات برلین نیز نیازهایی را که شامل آب‌های داخلی و بین‌المللی است، در حدی که حقوق عرفی بین‌المللی از آنها سخن می‌گوید، تأمین می‌کند. برخی از این مقررات، از آب‌ها نیز فراتر می‌روند و محیط‌زیست مربوط به آب‌ها (یعنی محیط‌زیست آبی) و تعهد به انجام مدیریت در آن محیط را دربرمی‌گیرد.

منابع

الف فارسی

۱. آوریده، فریبا؛ جلال عطاری؛ محسن عبداللهی (۱۳۹۵). «مطالعه تطبیقی اصول و قواعد بین‌المللی حاکم بر تقسیم آب در رودخانه‌های فرامرزی». فصلنامه علوم محیطی، دوره چهاردهم، شماره ۲، ص ۹۶-۷۹. در: <https://www.sid.ir/fa/journal/JournalListPaper> (۵ مرداد ۱۳۹۹)
۲. ارجمند، اردشیر (۱۳۷۳). «حفاظت از محیط‌زیست و همبستگی بین‌المللی». مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۵، ص ۴۳۶-۳۲۳. در: <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage> (۱۶ اسفند ۱۳۹۸)
۳. اطاعت، جواد؛ یاشار ذکی؛ حسن کریمی (۱۳۹۷). «نیل و تأثیر هیدروپلیتیک آن بر روابط ژئوپلیتیکی میان مصر، سودان و اتیوپی». مجله پژوهش‌های جغرافیای سیاسی، دوره سوم، شماره ۴، ص ۶۶-۶۲. در:

۳. <https://pg.um.ac.ir> (۱۲ فروردین ۱۳۹۹)
۴. امین‌زاده، الهام؛ زهراسادات شارق؛ رحسین سزازه (۱۳۹۶). «تعهد دولت‌ها به حفاظت از تالاب هورالعظیم/ هورالهوریه براساس حقوق بین‌الملل». *مطالعات حقوقی/نرزی*، دوره سوم، شماره ۲، ص ۲۱۷-۱۹۳. در: <https://www.sid.ir> (۳ اردی‌بهشت ۱۳۹۹)
۵. پورهایمی، سید عباس؛ اکرم نعمتی؛ فلورا یدری (۱۳۹۲). «رژیم حقوقی حفاظت محیط‌زیست آبراه‌های بین‌المللی با تأکید بر تنگه هرمز». شماره ۲۰، ص ۱۰۲-۸۷. در: <https://www.sid.ir/fa/Journal> (۱۳ اسفند ۱۳۹۸)
۶. جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۸۸). «استفاده از منابع آب رودهای مرزی ایران و عراق و حقوق بین‌الملل». *فصلنامه علمی- پژوهشی حقوق عمومی*، دوره یازدهم، شماره ۲۶، ص ۹۲-۶۳. در: <https://qjpl.atu.ac.ir/article> (۱۲ مرداد ۱۳۹۸)
۷. حبیبی، محمدحسن (۱۳۸۵). *حقوق بین‌الملل محیط زیست*. جلد ۲، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۸. رضانی قوام‌آبادی، محمدحسین (۱۳۸۶). «نگاهی به اصل استفاده غیرزیان‌بار (پایدار) از سرزمین در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست». *فصلنامه علوم محیطی*، شماره ۴، ص ۷۳-۵۷. در: <https://envs.sbu.ac.ir/article> (۳ مهر ۱۳۹۹)
۹. شولی، علیرضا؛ جبار وطن‌فدا؛ فریبا آوریده (۱۳۹۴). «بررسی نظریه‌های حقوقی و مقررات تقسیم آب در قوانین و معاهدات بین‌المللی آب‌های مرزی». *فصلنامه علمی- ترویجی دانشکده علوم و فنون مرز، سال ششم*، شماره ۲، ص ۱۵۱-۱۲۱. در: <https://elmnet.ir/article> (۴ شهریور ۱۳۹۹)
۱۰. شیلتون، دینا؛ الکساندر کیس (۱۳۸۹). *کتابچه قضایی محیط‌زیست*. تحقیق و ترجمه محسن عبداللهی، تهران، مرکز مطالعات توسعه قضایی.
۱۱. عساری، مهتاب (۱۳۹۶). «آثار حقوقی پروژه GAP بر تعهدات دولت ترکیه نسبت به دجله و فرات». *پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق، دانشگاه شهید بهشتی*.
۱۲. عنابی، علیرضا (۱۳۹۱). «اصول حاکم بر رودخانه‌های بین‌المللی با تأکید بر وضعیت حقوقی هیرمند». *همایش ملی حقوق بین‌الملل در آیین علوم روز، جهاد دانشگاهی واحد استان آذربایجان غربی*.
۱۳. فرشادگهر، ناصر (۱۳۶۷). *نظام حقوقی رودخانه‌های بین‌المللی و اروندرود*. دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۱۴. کوروکولاسوریا، لال؛ نیکلاس رایبسون (۱۳۹۰). *مبانی حقوق بین‌الملل محیط‌زیست*. ترجمه سیدمحمدحسن حسینی، تهران، بنیاد حقوقی میزان.
۱۵. مظلوم، علیرضا؛ عنایت‌اله نصیری جهان‌آباد؛ فتح‌اله حاجتی (۱۳۹۶). «تبیین قاعده لاضرر و لاضرار در مباحث فقهی». *مجله بین‌المللی پژوهش ملل*، شماره ۲۳. در: <https://www.rnmagz.com> (۱۷ مهر ۱۳۹۹)
۱۶. موسوی، سید فضل‌الله (۱۳۸۹). «حقوق رودخانه‌های بین‌المللی با تأکید بر حوضه‌های اردن و لیطانی و مدیریت و برنامه‌ریزی آن‌ها». *نشردادگستر*، ص ۱۶۱-۱۶۰.

۱۷. موسوی، سید فضل‌الله؛ سید حسین حسینی؛ سید حسین موسوی‌فر (۱۳۹۴). «اصول حقوق بین‌الملل محیط‌زیست در پرتو آرای مراجع حقوقی بین‌المللی». فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال هفدهم، شماره ۴۸، ص ۲۵-۹. در: <https://ensani.ir/fa/article/351748> (۱ شهریور ۱۴۰۲)
۱۸. موسی‌زاده، رضا؛ مرتضی عباس‌زاده (۱۳۹۵). «ابعاد حقوقی بهره‌برداری از رودخانه مرزی هیرمند توسط ایران و افغانستان». فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، دوره بیست‌ودوم، شماره ۹۳، ص ۱۸۳-۱۵۹. در: <http://ca.ipisjournals.ir> (۱۳ اسفند ۱۳۹۸)
۱۹. میان‌آبادی، حجت (۱۳۹۲). «ملاحظات سیاسی و امنیتی و حقوقی در مدیریت رودخانه‌های مرزی». فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره سوم، شماره ۹، ص ۲۳۳-۲۰۳. در: <http://www.iisajournals.ir/article> (۱۱ آبان ۱۳۹۹)
۲۰. نیرومندفر، فریبا؛ علی شهیدی (۱۳۹۷). «هیدروپلیتیک ایران و عراق و بهینه کردن مصرف آب‌های مشترک مرزی». فصلنامه علمی-پژوهشی سیاست جهانی، دوره هفتم، شماره ۲، ص ۲۵۴. در: <https://interpolitics.guilan.ac.ir> (۳ خرداد ۱۳۹۹)

ب) خارجی

21. Boisson de Chazournes L, Tignino M, Sangbana K. L'entrée en vigueur de la Convention des Nations Unies sur le droit relatif aux utilisations des cours d'eau internationaux à des fins autres que la navigation (1997). Geneva Water Hub. 2015: 1-9. <https://www.genevawaterhub.org/> (21 March 2018).
22. Cafilisch, L (1997). La convention du 21 mai 1997 sur l'utilisation des cours d'eau internationaux à des fins autres que la navigation. Annuaire français de droit international, 43(1), 751-798. <https://www.persee.fr> (28 September 2018).
23. Crawford, J. (1997). The International Law Association from 1873 to the Present/L'Association de Droit International de 1873 à nos jours. Uniform Law Review-Revue de droit uniforme, 2(1), 68-86. <https://opil.oupilaw.com> (26 April 2019).
24. Dellapenna, J.W., 2006. The Berlin rules on water resources: The new paradigm for international water law. In World Environmental and Water Resource Congress 2006: Examining the Confluence of Environmental and Water Concerns (pp. 1-10). www.researchgate.net (3 November 2019).
25. G. Sauser-Hall "L'utilisation industrielle des Fleuves internationaux", Recueil des Cours de l'Académie de Droit International", 1953, II, P539. <https://www.persee.fr> (22 January 2021).
26. J.W.Dellapenna, The customary International Law of Transboundary Fresh Water, International Journal of Global Environmental Issues, 2001, p 264_305. <https://www.internationalwaterlaw.org> (19 June 2020).

27. Ruiz Fabri, Hélène. "Règles coutumières générales et droit international fluvial." *Annuaire français de droit international* 36, no. 1 (1990): 818-842. <https://www.persee.fr> (20 January 2020).
28. Salman SM. The Helsinki Rules, the UN Watercourses Convention and the Berlin Rules: perspectives on international water law. *Water Resources Development*. 2007 Dec. 1;23 (4):625-40. <https://www.researchgate.net> (14 January 2019).